



طراحی: مریم هاشمی چغتای آبادی

# از تاریخ تا اندیشه

## بازنگری تاریخ فکر شیعه؛ پیش نیازها

متن حاضر تلخیصی از سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی سبحانی در نشست پژوهشی موضوعات تاریخ علم کلام است. این نشست در هشتم خرداد در دانشکده علوم حدیث (قم) برگزار شده است. دکتر سبحانی در آغاز، میان اندیشه و تاریخ آن تمایز می‌نهد و با توجه به این تمایز، به یکی از پیش نیازهای روشی در باب بازنگاری تاریخ فکر شیعه در حوزه معارف حدیثی اشاره می‌کند.

♦ دکتر محمد تقی سبحانی

فلسفه تاریخ کلام یا تاریخ فکری و عقیده شایسته‌ای از تاریخ است نه شاخه‌ای از کلام و عقاید یعنی مورخ تفکر و عقاید، به جای اینکه در مسند یک عالم دینی بنشیند تا یک گزارش اعتقادی را تحلیل کند خودش را در مسند مورخ می‌گذارد تا ببیند این تفکر، از کجا تا کجا طی می‌شود. تاریخ تفکر به‌علاوه یک کار تاریخی است و مثل گرایش‌های میان‌روشنی نیست که از یک رشته روش‌ها (متن‌پژویی) و از رشته دیگر، مبانی معرفتی، خودش را بگیرد.

بنابراین مقوله تاریخ تفکر و کلام را با علم کلام اشتباه نگرییم باید که یکی به دیگری منتقل شویم و بحث کنیم. از هر سستی یک اعتقاد نمی‌توان سستی به تاریخ آن فضالت کرد؛ چنان‌که از تاریخ تفکر هم هیچ گزاره کلامی‌ای نمی‌توانیم استخراج کنیم.

در برخی از کتاب‌هایی که مستشرقان یا محققان خودمان بر این اساس نوشته‌اند، چیزی این مطالبه شدند که از تاریخ تفکر، به خود تفکر، بل زدند و خواستند تاریخ را ثابت کنند پس با مکتب‌های گامی انگارهای کلامی را در تحلیلی تاریخی دخالت دادند. تاریخ کلام و خود کلام، ۲ مقوله مجزا هستند گر چه میان آنها پیوندهایی وجود دارد که این پیوندها ظرف است و در جایی خودش باید مطرح بشود.

از همین جهت ضرورت پرداختن حوزه‌های علمیه به مقوله تاریخ تفکر، روشن می‌شود. امروز در دنیا وقتی می‌گویند شیعه‌شناسی، اسلام‌شناسی و

صهیبت‌شناسی، بیش از آنچه منظورشان اعتقادشناسی به معنای کلامی باشد، منظورشان تاریخ تفکر است یعنی معنای شیعه‌شناسی، بررسی تفکر در یک مبسو تصور تاریخی است. در بین مورخان خودمان، حتی در بین حوزویان هم، همین روش کم کم جای خود را باز می‌کند. حتی اگر نگاه دقیقی به قدیمه تشیع داریم، یکی از بایسته‌های کار پژوهشی، پرداختن به موضوع تاریخ تفکر شیعه است.

متأسفانه در حوزه‌های شیعه، در این موضوع، بسیار سیار کم کار شده است. می‌توان گفت شاید در بین اندیان و مذاهب بزرگ دنیا، کمتر مذهب دینی را سوزاغ داریم که نسبت به تاریخ تفکر خود، این قدر کم‌اعتنا و کم‌مایل به خورد کرده باشد یکی از مشکلات کم‌بود منابع و پیوستگی مباحث تاریخ تفکر شیعه است. یکی دیگر از مشکلات این است که ما تاکنون در این مورد یک پژوهش آکادمیک گسترده و معتبر انجام ندادیم. یعنی یک پس‌زمینه پژوهشی نداریم. این است که هر محقق که وارد این میدان می‌شود احساس می‌کند که خودش تنه‌است و باید خیلی

از توشه و توان پژوهش را خودش جمع کند. ضرورت دوم برای بحث تاریخ کلام، این است که فهم بسیاری از متون دینی و اقوال، بررگان در عرصه تفکر شیعی، بستگی به فهم تاریخ تفکر دارد. حتی می‌توان ادعا کرد که فهم آیات قرآن هم در بسیاری از جملها به همین پس‌زمینه شناخت تاریخی ارتباط پیدا می‌کند. گاهی اوقات فقهان این درک تاریخی، سبب شده که ما آیات را هم درست هرک ندانیم این مشکل، در روایات و اقوال بزرگان شیعه فراوان است. ما به عنوان محققان حدیث به گریه واژگونی‌ای برخورد می‌کنیم که جایگاه تاریخی این واژه‌ها را نمی‌شناسیم؛ یعنی نمی‌دانیم اگر از اسلام سابق ۳۰۰ ساله و از ۳۰۰ ساله است، پیش فرض این است که واژگان در یستر تاریخ دچار تطور معنایی می‌شوند و هر واژه، هر زمان، محیط و منطقه خودش، یک معنای می‌دهد. برای مثال به اصطلاح هفتصد فی الارض، «دقت کنیم، فرض کنید - شش سال دیگر، کسی ادبیت ۱۰ سال بعد از انقلاب ما را بررسی کند و عبارت هفتصد فی الارض را در روزنامه‌ها

ببیند اگر تاریخ اجتماعی، فکری و اعتقادی ما را نداند، به احتمال بسیار زیاد، در فهم آن دچار مشکل می‌شود. چون آنچه ما به عنوان مفهومی الارض در دهه ۶۰ خرد کار می‌کردیم، با عبارت هفتصد فی الارض در قرآن، دقیقاً تطبیق نمی‌کند و یک معنای خاص دارد. ما به دلایل و ضرورت‌های سیاسی، تاریخی و قضایی، عبارت هفتصد فی الارض را از قرآن گرفته‌ایم و به آن بسامد فقهی، حقوقی و سیاسی داده‌ایم. این بسامد مولود این دوره است. اگر به منابع فقهی ۵۰ سال قبل مراجعه کنید، این معنا را نمی‌بینید و ۵۰ سال بعد هم معلوم نیست که این اصطلاح، همچنان در فقه ما باقی مانده باشد. این مثال را تطبیق دهید با هزاران واژه کلیدی اعتقادی که در روایات ما به کار رفته است. از دید گام‌بنده که فقهی و تاریخی کلام آشنا هستند، تمام اینها تاریخی است. محققان حدیث برای فهم احادیث فقهی، باید تاریخ فقه را بدانند. همان‌طور که از آیه‌تفسیر و جزئی نقل شده، اگر کسی تاریخ فقه اهل سنت را نداند، روایات فقهی شیعه را نمی‌تواند بفهمد. همین این سخن را ما در علم کلام داریم؛ کسی که تاریخ کلام شیعه را نشناخت، فهم روایات اعتقادی شیعه برایش سخت است. بسیاری از نظریات ظاهری که در روایات هست با مباحث تاریخی مرتبط است. در بسیاری از اینهاست که به احساس، بستند و در روایات ما هم ظهور دارد (مثلاً روایات از امام صادق علیه السلام که زلزله وارد کرد خدا) معمولاً جسع رجایی می‌کنیم. مثلاً می‌گویم انلهای که بر توثیق زلزله آمده، اقوی از روایاتی است که در تضعیف او آمده.

است. این هر سبب است اما مطلب مهمتری هم وجود دارد و آن این است که بررسی کنیم آنجا که تعریف کرده‌اند چرا تعریف کرده‌اند اگر کسی تاریخ آن دوره و صحبت فکری شیعه و روش آنمه را در برحورد با شرایط فکری و سیاسی بداند می‌فهمد که این تعریف نه تنها جایگاه خاصی ندارد بلکه سلاطین مورد هشامین حکم گفته‌اند که ایشان جبری و مبالغه و قتل به تشبیه است البته پاسخ‌های هم داده‌اند که در جای خودش بحث می‌شود اما برخی از محققان این موضوع را با استفاده از تاریخ کلام بررسی کرده‌اند.

اگر کسی تاریخ کلام بداند می‌فهمد چرا به هشام اتهام جبر یا تشبیه سبب داده‌اند آنها چه کسانی بودند و در مقابل هشام چه اعتقادی داشتند و وقتی هشامین حکم با اینها منعقد می‌کرد آنها از آن حرفش چه برداشتی می‌کردند و این برداشت را چگونه در گروه‌های مبتدعی خود پخش می‌کردند.

از این جهت ما عصر داریم که در هر مورد با روایات و میراث حدیثی همی... یک نگاه به تاریخ کلام داشته باشیم و به تدریج این را در میان روشها تعریف کنیم. تعریف تاریخ کلام حدیثی و تاریخ حدیث کلامی یک گرایش حدیث پژوهی بود. غیر از آن می‌خواهند در زمینه حدیث تخصص پیدا کنند یا اینکه با توجه به تاریخ فکری شیعه و سایر فرق، یک بحث میان رشتنای را هم می‌کنند شروع کنند و مباحث فکری را هم در تاریخ حدیثی بحث بررسی کنند.

این نکته را عرض کنیم که قبل از نوبت شناسی تاریخ فکری شیعه می‌بایست پژوهش‌های فراوان در آن محور همسایه داشت. همان میراث شناسی و جریان شناسی محور اول، تک‌نگاری در حوزه اندیشه همان است آنها صرفاً راوی نبودند بلکه شخصیت‌های مهم و برجسته‌ای بودند و بسیاری از آنها در تاریخ حدیث داشته‌اند یعنی قدیسه داشتند. محور دوم میراث شناسی است. مادر میراث شناسی شیعه اصلاً چیزی ضعف جدی‌ای هستیم بخشی از میراث ما مفقود است یعنی متون در میراث‌های متأخر است و در چواجم روایی آمده است و بخشی از آن مخلوط شده یعنی میراث است مدرسه فکری مثل مدرسه فکری قم. در میراث مدرسه کوفه اختلاط پیدا کرده بعد رفته رفته دچار افتای دیگری شده است پس میراث ما یک تاریخ دارد ما به دلیل نگرش رجالی... بحث به احادیث است از اینکه هر مس حدیثی یک دوره تاریخی دارد غافلیم یعنی وقتی می‌گوییم این روایت را مفضل بن عمر از محمد بن عثمان نقل کرده سپس علی بن محمد میرقیس از او نقل کرده باید دید این روایات در کدام حوزه بودند این حوزه و این فرد چه اعتقادی داشتند و روایت چطور اخذ و نقل شده.



شده بعد می‌توانیم تاریخ فکری شیعه را بازنگاری کنیم. اعتقاد بر این است که اگر این تاریخ فکری نوشته شود (چندان دور هم نیست و با این همه امکانات و نیروی انسانی به سرعت می‌شود به این هدف نزدیک شد) اساساً نگاه ما به کلام حدیثی و فقه دچار یک تحول خواهد شد و به تعبیر دیگر لایه‌هایی از احادیث و تفکر شیعه را خواهیم شناخت که تاکنون بر ما نامعلوم بوده است اکنون برای نمونه در محور میراث نام می‌چند عنوان تحقیق پیشنهادی را عرض می‌کنم:

۱. میراث معارف پیامبر اکرم (ص) و چونگی انتقال آن در جریان‌های مختلف حدیثی و فقهی و قضایی فقهی پیامبر در تدریس و ترویج بینادهای اعتقادی چه بود؟ و این در احادیث و میراث پیامبر چگونه در جریان‌ها و افکار مختلفه رشد پیدا کرده؟

۲. پژوهش در خطبه حدیثی حضرت زهرا (ع) از نظر مبدا و منبذ و تکراری به معنای پژوهی تاریخی به عبارت دیگر باز نظر سنت تاریخ انتقال این میراث پیامبر از نظر سبب و این نسخه‌هایی که به ما رسیده چه تفاوت‌ها و اشتراکاتی دارند و دلایل این تفاوت‌ها و اشتراکات و ترجیح یکی بر دیگری کدام است؟

۳. میراث معارف حضرت زهرا (ع) و نقش آن در تزک جهندیسه ۴۰ حج این دیگر بحث معتاد نامی تاریخی است که کاری به سند خطبه ندارد. یک میراث معنوی معرفی می‌شود و اعتقادی حضرت و اینکه آیا این نقش تاریخی داشته باشد بررسی می‌شود.

۴. پژوهشی که اختلافی در میراث معارف امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است که به بیشتر مناسبت‌های گوناگون است. به خصوص به سبب تفاوت‌های فقهی و عقایدی که در این دو امام وجود دارد. در اینجاست که آن منطوقی است که مطرح می‌کنیم یعنی در چه دوره تاریخی امام حسن (ع) اصلاح‌چهره امامی که هادی است تقدیم می‌شود.

۵. پژوهش‌ها در میراث معارف امام حسن (ع) و امام حسین (ع) که به بیشتر مناسبت‌های گوناگون است. به خصوص به سبب تفاوت‌های فقهی و عقایدی که در این دو امام وجود دارد. در اینجاست که آن منطوقی است که مطرح می‌کنیم یعنی در چه دوره تاریخی امام حسن (ع) اصلاح‌چهره امامی که هادی است تقدیم می‌شود.

۶. پژوهش‌ها در میراث معارف امام حسن (ع) و امام حسین (ع) که به بیشتر مناسبت‌های گوناگون است. به خصوص به سبب تفاوت‌های فقهی و عقایدی که در این دو امام وجود دارد. در اینجاست که آن منطوقی است که مطرح می‌کنیم یعنی در چه دوره تاریخی امام حسن (ع) اصلاح‌چهره امامی که هادی است تقدیم می‌شود.

۷. پژوهش‌ها در میراث معارف امام حسن (ع) و امام حسین (ع) که به بیشتر مناسبت‌های گوناگون است. به خصوص به سبب تفاوت‌های فقهی و عقایدی که در این دو امام وجود دارد. در اینجاست که آن منطوقی است که مطرح می‌کنیم یعنی در چه دوره تاریخی امام حسن (ع) اصلاح‌چهره امامی که هادی است تقدیم می‌شود.

۸. میراث معارف امام سجاده (ع) و چونگی انتقال آن به گروه‌های با میراث امام سجاده (ع) از بحث‌های خیلی مهم حدیثی است که اساساً در حدیث امام سجاده (ع) از چه طریقی و چگونه به ما رسیده است. در اسناد بسیاری از روایات امام سجاده (ع) شخصیت‌های غیر شیعه وجود دارند بررسی می‌شود که چه جریان‌هایی در زمینه در کتب حضرت بوده است. آنهایی که از بصره یا کوفه می‌آمده‌اند یا کسی که در مدینه بوده‌اند یا هر یک از اینها می‌آیند بررسی است.

۹. میراث معرفتی نخستین یاران امام علی (ع) یعنی شخصیت‌های بزرگ شیعی مانند سلمان، ابوذر، عمار و مقداد و میزان نفوذ و گستره انتشار آن در بین گروه‌های مختلفه (۱۰) منابع علمی معارف اهل بیت (ع) و چونگی دریافت و انتقال آن در سده نخستین شیعه. علوم معارفی خودشان را از کجا می‌گرفتند؟

۱۱. پژوهشی قابل ذکر است شکل‌گیری قدیسه تدریس در ری از آغاز ناصر کلبانی با رهگیری تاریخ اهل شیعه در ری به صورت مخفیانه شروع می‌شود و بعد از عبدالعظیم حسینی ظاهر می‌شود و اوج می‌گیرد. آن را با قرن سوم است. که متناهی کلبانی حضور دارند زمانی که نوابس هر ری حاکم بودند. گر معاص می‌شود که عبدالعظیم حسینی از ری زبزی خفه خودش هم نمی‌توانست بیرون بیاید به همین دلیل نجاشی می‌نویسد حدیثی که فوت کرد رفته‌ای در جیب آید. آن پیدا کردند که خودش را بر آن رفته معرفی کرده بود و مردم فهمیدند که آنچه عبدالعظیم حسینی زندگی می‌کرده است.

۱۲. قدیسه کلبانی شیعه در ری از آغاز تا قرن ششم در پیشنه‌ها اول به بحث حدیث شناسی یعنی تاریخ حدیث شیعه در ری پرداختیم اینجا می‌خواهیم نگاه کلاسی کنیم در قرن ششم در ری با حضور ابن شهر آشوب به نظر او نوبدی و معبد نیشابوری جریان بزرگ کلاسی‌ای ظهور می‌کند که بعداً در حلقه نجف و دیگر نقاط تأثیر

می‌گذارد و خودش هم یک محله کلامی شیعی می‌شود. مثالی برای مورد اول و دوم عرض کنیم: ما «کتاب کلبانی» را فقط کتاب حدیث می‌بینیم هیچ کس تاکنون به کلبانی به عنوان کتاب کلامی نگاه نکرده در حالی که خود کلبانی بر مقدمه کلبانی برای نوشتن کتاب «تفسیر کلامی» ذکر می‌کند و می‌گوید امروز شیعیان زیاد شده مسئله زیاد شده من می‌خواهم از اخبار روایاتی را جمع کنم و به این شیعیان پاسخ بدهم عین این مطلب را شیخ صدوق در مقدمه «توحید» گفته که شیعه را متهم به تشبیه و جبر می‌کنند و من می‌خواهم روایات را بنویسم و پاسخ بدهم یعنی کتاب به ظاهر حدیثی فقط جمع روایات نیست بلکه تنظیم این کتابها و عنوان‌هایی که در این روایات آمده و بعد از این‌ها می‌کند که در این روایات هسته همه کلام است. یک تنظیم اعتقادی است مثل این است که تفاوت دست‌نویس و نظام‌های التوحید صدوق با کلبانی

جبر چیست؟ آیا کلبانی در نگرش اعتقادی خودش همان گونه می‌اندیشید که صدوق می‌اندیشید یا با آن تفاوت بودند. مثلاً آیا این تفاوت نگاه در دست‌نویس روایات در عنوان‌های روایات مؤثر بوده یا نبوده؟ ما می‌توانیم ببینیم که این تفاوت هست و این تفاوت در عنوان‌های روایات هم مهم است. ما الان می‌توانیم متناهی کلامی کلبانی چه کسانی هستند متناهی روایی را می‌شناسیم اما نمی‌توانیم که بعد کلامی آن چه بوده فقط می‌توانیم کلبانی در نویسی کتاب کلبانی کلاماً قدیسه کلامی داشته و این قدیسه کلامی را در نظر می‌گیرند این روایات دخالت داده‌اند.

۱۳. تاریخ قدیسه شیعه در حلب و شام تا قرن ششم در این دوره ایوب‌الصلاح حلبی یک شخصیت مهم کلامی است. او شاگرد سید مرتضی است اما در مقابل او نماند خود قدیسه مستقلی دارد حتی کتب نوشته‌اند آثار سید مرتضی را نقد کرده‌اند که متأسفانه این کتاب به دست ما رسیده است. ۱۴. تاریخ قدیسه شیعه در جبل عامل از آغاز تا قرن پنجم متأسفانه ای که شاگردان سید مرتضی در آنجا حضور داشتند.

۱۵. تاریخ قدیسه شیعه در بصره در آل‌بن نخلیستین اهل سنت در مورد تاریخ کلامی حدیثی و فقهی بصره پژوهش‌های متعددی کرده‌اند حضور شیعه در بصره از هر یک کلامی حدیثی دارد که رویکرد حدیثی آن خیلی قوی است و پلی میان بقیه ما هیچ پژوهش تاریخی در این زمینه انجام ندادیم.

۱۶. مراحل حضور حدیث در خراسان و ماوراءالنهر و سایر انتقال آن از آغاز تا شیخ صدوق این موضوع در تاریخ حدیث و تاریخ تفکر بسیار مهم است. شیخ صدوق با آن حالات قدر به نیشابور و خراسان می‌رود و احادیث شیعه را جمع می‌کند و در چه زمانی به آنجا رفته و چه طریقی از آنجا قدم کوفه و ری به تدریج به دست شریک ایران حرکت کرده‌اند؟

۱۷. محدثان شیعه در مکه در آقرن نخستین و نقش آنها در گسترش قدیسه حج؛ ما معمولاً مکه را خیلی از شیعیان می‌بینیم اما در جاهایی وجود دارد که شیعیان در آنجا با نگرش حدیثی حضور داشته‌اند. ۱۸. تاریخ قدیسه شیعیان در بصرین از آغاز تا قرن هفتم چه یعنی ظهور ابن سبیت به بصرین و متناهی ایشان ابن سبیت محدث فقهی فیلسوف و عارف بصرینی در قرن هفتم است. سواد او خواجه طوسی هم‌اوردی می‌کنند. ما نمی‌توانیم تحقیق واقعی نداریم که شیعه چگونه به بصرین رفته چه کسانی مؤثر بودند و چه نقش‌هایی از منظر حدیثی کلامی تاریخ مطرح بوده‌اند.

۱۹. تاریخ قدیسه شیعیان در مصر از آغاز تا قرن پنجم در آنجا حدیثی و کلامی شیعیان کوفه و بصره در آقرن قدیسه شیعیان کوفه که غایب ما بشیعه در آنجا اهل سنت است و کوفه که غایب ما بشیعه است در مقابل حدیثی و کلامی در آقرن اول چه فرایندی را طی کرده‌اند؟